

نگاه

گفت‌وگو با محمد حیدری، بازیگر نمایش «دایره گچی قفقازی»

تعدد سالن‌ها و تنوع نمایش‌ها موجب ریزش تعداد مخاطبان در سالن‌ها شده است

محمد حیدری، بازیگر جوان سینما و تئاتر، درمورد فعالیت‌های این روزهایش در صحنه نمایش می‌گوید: «من طی این سال‌هایی که در حوزه بازیگری مشغول هستم، همیشه دنبال فرصتی برای بازی در صحنه تئاتر بودم، ولی انکار طلسم شده بود و این اتفاق پیش نمی‌آمد. تا زمستان سال گذشته که هم‌زمان با پخش سریال «تاسیان»، با نمایش «کرشن‌دو» به کارگردانی فرشید روشنی اولین تجربه بازی تئاتر برای من به وجود آمد و خوشبختانه با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد و بهار امسال هم اجرای مجدد رفت. گفتم طلسم، چون بعد از اولین حضور در تئاتر، چندین پیشنهاد بازی در نمایش‌های مختلف به من شد که یکی از آنها این روزها در حال اجراست. نمایش «دایره گچی قفقازی» به کارگردانی رضا بهرامی، تجربه‌ای متفاوت از کار اولم است و هر شب در مجموعه تئاتر لیخنه به اجرا می‌رود. برخلاف «کرشن‌دو» که فضایی کمدی و انتقادی داشت، این‌بار با نمایشی کلاسیک و پربازیگر طرفم که من را به چالش می‌کشد، او می‌گوید: «شرایط امروز تئاتر بسیار پیچیده شده، از طرفی با تأسیس سالن‌های نمایش متعدد باید خوشحال بود که اجراهای بیشتری روی صحنه می‌رود و بالطبع فرصت بیشتری برای هنرمندان تئاتر فراهم شده است. از طرفی این تعدد سالن‌ها و تنوع نمایش‌ها موجب ریزش تعداد مخاطب‌ها در سالن‌ها شده که یکی از دلایل آن وضعیت اقتصادی مردم است. خانواده‌ها باید خیلی فرهنگ‌دوست باشند که هزینه تئاتر رفتن را در سبد معیشتی خودشان قرار دهند و نباید انتظار داشت که همه نمایش‌ها را بتوانند در برنامه خود بگذرانند. از طرفی بازی در تئاتر برای بازیگران هم آورده مالی خاصی ندارد و لازم است منبع درآمد دیگری داشته باشند تا بدون دغدغه به این هنر بپردازند». حیدری درباره ویژگی‌های نمایش «دایره گچی قفقازی» می‌گوید: «نمایش‌نامه «دایره گچی قفقازی» شاهکار برتولت برشت بارها در ایران و جهان توسط گروه‌های مختلف روی صحنه رفته و به‌قدری این متن غنی و پربار است که پس از این همه سال همچنان تازه و نزدیک به زندگی امروزمان است. جنگ، تجاوز، فقر و… که در محتوای این اثر جریان دارد، برای مردم ایران که همین چند ماه پیش درگیر جنگ بودند قابل لمس است. من در این نمایش نقش لاورتی، برادر گروه‌ه را دارم. مردی که برای یک زندگی بهتر مهاجرت کرده و حالا بین اطاعت از همسر مذهبی‌اش و کمک به خواهر درمانده‌اش گیر کرده است». او در ادامه در پاسخ به این سؤال که بازی در تئاتر را ادامه خواهد داد یا خیر، می‌گوید: «قطعا بازی در تئاتر را ادامه خواهم داد، چون هر نمایش برای من کلاس درسی جدید است که بتوانم توانایی بازیگری‌ام را بالاتر ببرم. از طرفی بازی در تئاتر صبر بازیگر را بالا می‌برد و دیدن نتیجه لحظه‌ای بازی و گرفتن بازخوردهای مخاطبان به ارتقای بازی کمک می‌کند».

خبر

انتشار فراخوان بخش عکس و ویدئو چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر

بخش عکس و ویدئو این جشنواره، به دبیری مهدی آشنا با محورهای روایت صلح، ایستادگی و جنگ برگزار می‌شود.

در فراخوان بخش عکس و ویدئو ی چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر آمده است: ایران سرزمینی است ریشه‌دار در تاریخ، با فرهنگی چند هزار ساله و تمدنی غنی. از دل خاک کهن این سرزمین، صدای دوستی و مهر برخاسته و مردمانش همواره زبان به صلح گشوده‌اند. مردمی که زندگی را شایسته عشق می‌دانند، نه جنگ، و همین فرهنگ ژرف و والای ایرانی، اجازه نداده که زیر بار ظلم و ستم برویم و همواره در کنار مظلومان و آزادگان بایستیم. در راستای این باور، جشنواره امسال قصد دارد آثار هنرمندانی را که گوشه‌ای از تحمیل شوم جنگ بر ملت‌های مظلوم و آزاده را روایت می‌کنند، در قالب عکس و ویدئو جمع‌آوری و در معرض دید عموم قرار دهد.

بخش‌ها:

الف: عکس؛ پ: ویدئو؛ پ: بخش مردمی (موبایلی)

موضوعات مسابقه:

جنگ و کودکان، اثرات جنگ بر خانواده‌ها،صلح و نوع‌دوستی، جنگ ۱۲روزه ایران، ایران و دفاع مشروع، عشق و انسانیت در میانه جنگ، ایثار در جنگ

شرایط ارسال عکس:

شرکت برای همه آزاد است. هر عکاس می‌تواند حداکثر ۱۰ فریم عکس در بخش آزاد ارسال کند. عکس‌ها باید در اندازه ۵×۳ dpi و کیفیت ۳۰۰ dpi به دبیرخانه ارسال شوند.هرگونه ویرایش مخدوش‌کننده ماهیت اصلی عکس ممنوع است. استفاده از هوش مصنوعی ممنوع است. عکس‌ها می‌توانند رنگی یا سیاه‌وسفید باشند. آثار راه‌یافته به مرحله نهایی در قالب نمایشگاه به نمایش گذاشته می‌شوند. آثار نهایی در کتاب جشنواره چاپ خواهند شد و به هر عکاس منتخب یک جلد کتاب اهدا می‌شود. به آثار پذیرفته‌شده برای نمایشگاه، حق‌التصویر تعلق می‌گیرد. میزان حق‌التصویر برای هر عکاس: پنج میلیون ریال. ارسال عکس فقط از طریق ایمیل به دبیرخانه امکان‌پذیر است. ارسال آثار به منزله پذیرش مفاد فراخوان است.

نکته: در بخش موضوع یا subject عبارت «مسابقه فیلم و عکس – بخش مردمی» قید شود.

شرایط ارسال فیلم: فیلم‌ها باید در فرمت MP4 یا MOV و با حجم حداکثر ۳۰۰ مگابایت برای مدت زمان تا ۳۰ ثانیه (جهت انتخاب اولیه) ارسال شوند. ویدئوهای بخش اصلی نباید بیش از ۶۰ ثانیه باشند. هر هنرمند می‌تواند حداکثر پنج اثر ارسال کند. آثار باید از طریق ایمیل به دبیرخانه ارسال شوند. ارسال اثر به منزله تأیید مالکیت اثر توسط ارسال‌کننده است. ارسال آثار به معنای پذیرش مفاد فراخوان است.

شرایط بخش مردمی (موبایلی): متقاضیان می‌بایست فقط ویدئوهای مربوط به جشنواره را به دبیرخانه ارسال کنند. مالکیت آثار باید در اختیار ارسال‌کننده باشد. در غیر این صورت اثر از بخش مسابقه حذف خواهد شد و دبیرخانه هیچ مسئولیت حقوقی نخواهد داشت. جشنواره حق نمایش آثار منتخب را خواهد داشت. شرکت‌کنندگان موظف‌اند فرم ثبت‌نام را همراه با اثر به دبیرخانه ارسال کنند.

گاشمار جشنواره:

پایان مهلت ارسال آثار ۵ آبان‌ماه ۱۴۰۴ / داوری آثار ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۴/ برگزاری نمایشگاه ۵ آذرماه ۱۴۰۴ در محل کاخ جشنواره

جواز:

بخش عکس: تدیس، لوح تقدیر جشنواره و جایزه نقدی برای اثر برگزیده
بخش ویدئو: لوح تقدیر و جایزه نقدی برای اثر برگزیده
بخش مردمی (ویدئو): لوح تقدیر و جایزه نقدی برای اثر برگزیده
جواز: در مراسم اختتامیه جشنواره و در هر سه بخش به برگزیدگان اهدا خواهد شد.

شرکت‌کنندگان می‌توانند آثار خود را به ایمیل جشنواره به نشانی -fajrintfilm@gmail.com festival ارسال کنند.

چهل‌وسومین جشنواره جهانی فیلم فجر با دبیری سیدروح‌الله حسینی پنجم تا دوازدهم آذرماه سال جاری در شهر شیراز برگزار خواهد شد.

بهناز شیربانی، طی هفته‌های اخیر سالن‌های نمایش پایتخت میزبان اجراهایی هستند که بسیاری از آنها با حضور چهره‌های شناخته‌شده روی صحنه رفته‌اند و البته باید گفت میزان استقبال از این اجراها چشمگیر است. از جمله نمایش‌های پرمخاطب چند روز گذشته نمایش «رامسس دوم» به کارگردانی رضا گوران است. این نمایش این روزها در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود و یکی از مهم‌ترین و پرحاشیه‌ترین تولیدات صحنه‌ای پاییز به شمار می‌آید. این اثر، نمایشی نوشته سیاستین تیری، نمایش‌نامه‌نویس معاصر فرانسوی است که توسط شهلا حائری به فارسی ترجمه شده و در گونه کمدی سیاه جای می‌گیرد.

رضا گوران که پیش‌تر با آثاری چون «یرما»، «مرد بالشی» و «داستان‌های میان‌رودان» توانسته بود نگاه‌ها را به خود جلب کند، پس از چند سال دوری دوباره با «رامسس دوم» به سالن اصلی تئاتر شهر بازگشته است. سحر دولتشاهی، سعید نکیزیان، علی شادمان، حدیث میرامینی در این اثر ایفای نقش می‌کنند.

«سنگ‌بست» به کارگردانی محمدمهدی خاتمی در تالار چهارسو روی صحنه است. «سنگ‌بست» یک درام اجتماعی است که در دهه ۴۰ می‌گذرد و روایت زنی شیرازی به نام «آهو» است که همسرش به واسطه تصادف منجر به فوت در زندان وکیل‌آباد مشهد محبوس شده و او وفادارانه درگیر مبارزه‌های جانفرسا برای آزادی شوهرش شده است.

تکنم اخجوانی، پرویز گوهری‌راد، مجتبی فلاچی، علیرضا مهران، حامد وکیلی، نسرین نکیسا و سعید ملک‌نژاد بازیگرانی هستند که در این نمایش حضور دارند.

«یا عیسی مسیح بیچاره شدید» به کارگردانی مسعود موسوی در تالار قشقایی، «اتاق زبان» به کارگردانی حسن معینی در تالار سلاهی و «عالیجناب ام یک» به کارگردانی مهتاب عسکری در کارگاه نمایش تئاتر شهر روی صحنه هستند.

حسین جمالی، نویسنده و کارگردان تئاتر نیز پس از شش سال، نمایش «عروس انار» را در سالن سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه برده است. «عروس انار» پژوهشی درباره آیین‌ها و رفتارمندی هنر روایت در نمایش شرق است. رامونا شاه، لطف‌الله سیفی، اناز سلیمانی، فرید فرهنگ، آرش غلام‌آزاد، سالار دریاچ، بهاء‌الدین مرشدی، مژگان چارانی و مانده کیوانی در این اثر ایفای نقش می‌کنند. همچنین نمایش «لمس» به نویسندگی وهاب مهربان و شهاب مهربان و کارگردانی شهاب مهربان، با بازی حسین پورگرینی، عباس جمالی، بهار کاتوزی، مجید وسفی نیز از ۱۴ مهر ساعت ۱۹ در سالن ناظرآزاده گرمائی به صحنه می‌رود.

دور تازه اجراهای نمایش «بک تو بلک» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی سجاد افشاریان این روزها در تماشاخانه لیخند میزان علاقه‌مندان نمایش است.

محمد مساوات نیز با نمایش تازه‌اش «زندانی در

نگاهی به نمایش‌های روی صحنه در روزهای آغاز باییز

از کمدی سیاه تا درام اجتماعی



پردیس تئاتر تهران روی صحنه است.

در این نمایش کودک و نوجوان، شیوا مولویان، مهدی بیات، احسان خرم‌فهر، کیما خراسانی، مهدیار مهرآیین، امیرعلی دولت‌شاهی و محمدعادل غلامی به ایفای نقش می‌پردازند.

در خلاصه داستان نمایش آمده است:

«برفک دیگر نمی‌تواند روی تخت یخ‌اش بخوابد، زیرا یخ‌های قطب آب شده‌اند. او برای پیدا کردن مشکل، راهی سفری پرماجرا می‌شود…».

گفتنی است این نمایش علاوه بر اجرای عمومی، دارای سانس صبح ویژه مدارس و مهدکودک‌هاست. همچنین مخاطبان هنگام ورود به سالن کفش‌های خود را درمی‌آورند و کودکان می‌توانند روی تشکچه‌های مخصوص در صحنه حضور داشته باشند.

دور دوم اجرای نمایش «بشکاف» به کارگردانی الهام احمدی از ۷ مهر ۱۴۰۴ در تماشاخانه هما آغاز شده است.

این نمایش پیش‌تر در مجموعه تئاتر لیخنه روی صحنه رفته و با استقبال مخاطبان، اجرای آن در تماشاخانه هما تمدید شد.

بازیگران (به ترتیب ورود به صحنه): امیرضا ملکی، حسین ثمری، محمد نژاد، کامیاب زارع، رضا رباط و نوید احمدزاده هستند.

«بشکاف»، نمایشی گروتسک و سیاه در قالب کمدی است که تمام رویدادهای آن در یک استخر متروکه رخ می‌دهد؛ جایی که شخصی بهوش نمی‌شود، تیغ کار نمی‌کند، توالت فرنگی خراب است و همه چیز به هم ریخته است.

محکوم به شکست

و عدالت‌خواهی باشد، در «محکوم» به شکل یک شخصیت لمبن و گاه حتی مضحک تصویر شده، درست است که او کینه‌ای غیرمنطقی از نسرين با بازی ساره بیات دارد، اما این موضوع دلیل نمی‌شود او به نمایندگی از سایر وکلا این چنین آتش به خرم بیندازد. وکیل همیشه نماد فردی باهوش و استدلالگر است. برخی از وکلا معتقدند این انتخاب عجیب باعث شده جدیت موقعیت‌های حقوقی و دادگاهی از بین برود و صحنه‌های کلیدی حالتی شبه کمدی پیدا کنند. حتی کریم و طراحی لباس برای مهران غفوریان در نقش وکیل مانند افراد کارچاقی‌کن درآمده است. در نتیجه مخاطب نه می‌تواند با پرونده و سرنوشت متهم همدلی کند و نه جدیت قضات را باور می‌کند. این تصویر از وکیل بیش از آنکه نقدی به سیستم قضائی باشد، حاصل فیلم‌نامه‌ای است که نمی‌داند چطور بین طنز و ترازدی تعادل برقرار کند تا جایی که شان دادرس را پایین می‌آورد. اینکه وکلایی وجود دارند که درصدد دوزدن قوانین هستند، جای شکی در آن نیست اما این مسئله نباید در رسانه این‌گونه بازنمایی شود. در هر صنفی، افراد نامعقول وجود دارند اما در فیلمی که محوریت جنایی و قضائی آن اولویت دارد، نشان‌دادن چنین وکیلی صحیح نیست.

از نظر روایت، سریال در دام کلیشه‌های همیشگی سریال‌های قضائی می‌افتد؛ متهمی که بی‌گناه است اما مدارک علیه اوست، قاضی‌ای که دیر متوجه حقیقت می‌شود، وکیلی که در دقیقه ۹۰ سرنخ مهم را پیدا می‌کند. این سریال بی‌شباهت به سریال «آن شب» (The Night) که در سال ۲۰۱۶ ساخته شد، نیست. نکته مهم زیادی هم به صنف مشخص در سریال است. گویی نویسندگان نمی‌دانسته‌اند قرار است با این داستان چه حرفی بزنند. آیا این روایت رستگاری یک فرد بی‌گناه است؟ یا داستان فروپاشی روانی شخصیت‌ها تحت فشار اجتماع؟ چون پاسخ روشنی وجود ندارد، سریال از همه چیز، مقدار کمی برمی‌دارد و در نهایت هیچ‌کدام را کامل نمی‌کند. میزانشن‌های تکراری اتاق بازجویی، نماه‌ای بسته بدون تنوع بصری و ریتم کند تدوین باعث می‌شود حتی اگر داستان هم ظرفیت هیجان داشته باشد، در اجرا خنثی و بی‌اثر شود. درام دادگاهی نیازمند ضرباهنگی تند و ضربه‌های نمایشی حساب‌شده است، اما «محکوم» بیش از حد روی مونولوگ‌های طولانی و نگاه‌های کش‌دار تکیه می‌کند.

در کنار این ضعف‌ها، شخصیت‌های فرعی نیز به حال خود رها شده‌اند. خانواده متهم، همکاران و حتی قربانی جرم هیچ‌کدام به اندازه‌ای پرداخت نمی‌شوند که مخاطب بتواند با آنها ارتباط برقرار و هم‌اتپنداری کند. نتیجه این است که بار عاطفی ماجرا به زمین می‌افتد و سریال از هیجان عجز می‌ماند.

در نهایت، «محکوم» نمونه‌ای است از سریال‌هایی که ایده اولیه خوبی دارند اما به دلیل ضعف در شخصیت‌پردازی، ناپختگی در فیلم‌نامه و انتخاب‌های اشتباه کارگردانی، پتانسیل خود را از دست می‌دهند. کلیشه‌ها هم مثل سایه پشت سریال راه می‌روند. همه موضوعات به حدی تکراری است که حتی تماشاگر آماتور هم از قسمت دوم می‌تواند پایان را حدس بزند. اگر قرار است چنین سریال‌هایی در آینده ساخته شوند، لازم است نویسندگان و کارگردانان بیش از هر چیز روی پویایی شخصیت‌ها کار کنند و روان‌شناسی آنها را جدی بگیرند. درام قضائی فقط با دادگاه و بازجویی ساخته نمی‌شود، بلکه با شخصیت‌هایی شکل می‌گیرد که در ذهن مخاطب زنده می‌مانند. متأسفانه «محکوم» از این آزمون سربلند بیرون نیامده است.

شاید سازندگان خواسته‌اند با خلق روان‌شناس مجدد و وکیل لمبن، سریال را متفاوت کنند، اما نتیجه بیشتر شبیه طرزی خواسته شده است؛ طرزی که نه می‌خنداند، نه می‌گیراند. رد پای مه‌دویان در تمامی قسمت‌ها مشاهده می‌شود؛ از نوع فیلم‌برداری و قاب‌بندی‌ها تا شیوه چانه‌زای که بی‌شباهت به ماشین کشتار زخم‌کاری فصل دوم، سوم و چهارم نیست که به روان رنجور مخاطب در این روزها بازی می‌کند.

اخبار برگزیده

سینمای کودک، زبان جهانی همدلی است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، این رویداد را نماد عزمی استوار برای صیانت از هویت فرهنگی و سرمایه انسانی ایران اسلامی خواند و تأکید کرد: سینمای کودک و نوجوان باید به عنوان زبان جهانی همدلی شناخته شود. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان پیام داد. در متن این پیام آمده است: «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در چهار دهه برگزاری، نماد عزمی استوار برای صیانت از هویت فرهنگی و سرمایه انسانی ایران اسلامی است. این رویداد نه صرفاً محفلی هنری، که نشانه‌ای روشن از باور ملت ما به آینده‌ای است که در دستان کودکان و نوجوانان ساخته می‌شود. برگزاری این دوره در روزگاری که ایران خاطره دفاع مقدس ۱۲روزه و شهادت جمعی از کودکان و خانواده‌هایشان را به سوگ نشسته، معنایی ژرف‌تر دارد. در برابر خون‌های پاک‌ی که بر زمین ریخته شد، فرهنگ و هنر مأموریتی خظیر بر دوش دارند: ساختن جهانی امن‌تر و دمیم‌امید در دل ملتی که همواره در سایه همبستگی و ایمان ایستاده است. بزرگ‌ترین سرمایه ایران برای فردا، اتحاد و همبستگی ملی است؛ سرمایه‌ای که بر پایه نوع‌دوستی و میهن‌دوستی معنا می‌یابد و باید از همان سال‌های کودکی تمرین شود. جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان می‌تواند با تجربه‌های مشترک و آموزش‌های هنری، زمینه‌ساز پرورش همین روحیه باشد. امروز سینمای کودک و نوجوان باید به عنوان زبان جهانی همدلی شناخته شود؛ زبانی که مرزها را درمی‌نورد و امکان می‌دهد کودکان با قلب‌های پاک خود، حلاوت دوستی و صلح را باور کنند. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در چنین مسیری رسالت تاریخی خود را ایفا می‌کند که همان پیوند فرهنگ‌ها، تقویت جایگاه جهانی سینمای ایران و یادآوری این حقیقت است که آینده هر جامعه در گرو پاسداشت کودکی و پرورش نسلی خلاق و امیدوار است. این‌جانب ضمن قدردانی از هنرمندان، داوران و خبرنگاران کودک و نوجوان و برگزارکنندگان جشنواره، امیدوارم سی‌وهفتمین دوره این رویداد، بر غنای فرهنگی کشور بیفزاید و در گستره جهانی پیامی روشن از ایران فرهنگی، همدل و پیر از امید به آینده‌ای روشن را مخابره کند. سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان به سه بخش ملی (فیلم‌های بلند، کوتاه و پویانمایی)، بخش بین‌الملل و بخش ویژه حضور «آران قادرپور»، منتقد تئاتر برگزار می‌شود. «یرما» نمایش‌نامه‌ای در سه پرده اثر فدریکو گارسیا لورکا، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی است که در سال ۱۹۳۴ نوشته شده و برای نخستین‌بار در همان سال اجرا شد. لورکا، «یرما» را در قالب یک شعر تراژیک بیان می‌کند. یرما داستان زنی بی‌فرزند است که در حاشیه یکی از شهرهای اسپانیا زندگی می‌کند. انگیزه و آرزوی مادرشدن تمام ذهنش را گرفته و در نهایت دست به کاری فاجعه‌آمیز می‌زند. در آن جامعه انتظار داشتن فرزند باعث می‌شود یرما با این مسئله کنار نیاید.

فیلم‌تاترهای مهر ۱۴۰۴، با دسته‌بندی «ترازدهی‌های مدرن روان‌شناختی» انتخاب شده و طی پنج هفته ماه مهر (چهارشنبه‌های مهر) به نمایش درمی‌آیند.

فیلم‌تاتر «یرما» محصول ۲۰۱۷ عصر چهارشنبه ۱۶ مهر ساعت ۱۷ در سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید.